

بررسی روند پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی و عوامل مؤثر بر آن

شهرزاد بارانی، فاطمه درویشی و امیر اعظمی: دانشجویان کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی
دانشگاه رازی کرمانشاه.

کیومرث زرافشانی: عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی و مرکز پژوهشی مطالعات اقتصادی-اجتماعی دانشگاه رازی.

استان کرمانشاه، شهرستان کرمانشاه، بزرگراه امام خمینی، دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی، گروه ترویج و آموزش
کشاورزی

تلفن و دورنگار: ۰۸۳۱-۸۳۲۳۷۳۲

تلفن همراه: ۰۹۳۵۴۹۲۵۳۳۴-۰۹۳۵۵۰۹۵۶۲۹

کد پستی: ۶۷۱۵۵ صندوق پستی: ۱۱۵۸

E-mail: barani705@yahoo.com

چکیده:

هدف کلی این پژوهش که با روش توصیفی - همبستگی انجام شده است، بررسی روند پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی و عوامل مؤثر بر آن می باشد. بدین منظور، پژوهش در دو بخش صورت گرفته است. در بخش اول، با استفاده از آمار موجود و شاخص های معدل کل و معدل ترم، روند پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی از سال ۸۲ تا ۸۴ بررسی گردید ($N=159$). این روند، به طور کلی در تمامی دوره های روزانه و شبانه ی ورودی های مختلف، بیانگر روندی افزایشی بود. مقایسه ی بین پیشرفت تحصیلی دانشجویان روزانه و شبانه در هر ورودی نشان داد که به جزء ورودی ۸۲ در سایر ورودی ها این تفاوت از لحاظ آماری معنی دار است. در مقایسه ی پیشرفت تحصیلی بین ورودی های مختلف نیز تفاوت معنی داری مشاهده نشد. در بخش دوم تحقیق، عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج و آموزش کشاورزی شناسایی گردید. جامعه ی آماری تحقیق را ۱۰۷ نفر دانشجوی دوره ی روزانه و شبانه ی ورودی ۸۴ و ۸۵ رشته ی ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه تشکیل دادند. داده های مورد نظر از طریق پرسشنامه و در قالب سرشماری جمع آوری گردید. روایی ابزار مورد نظر با استفاده از پانل متخصصان، تعیین و پایایی آن به وسیله ی آزمون کرونباخ آلفا مورد قبول واقع شد ($\alpha=0/65$). نتایج حاصل از آزمون رگرسیون چندگانه به روش گام به گام نشان داد که ۷۶ درصد از تغییرات متغیر پیشرفت تحصیلی (معدل) را ده متغیر شامل: محل نشستن در کلاس، وضعیت اقتصادی خانواده، اضطراب امتحان، خاستگاه سکونت، انگیزه و علاقه، باور به خودکارآمدی، جمعیت خانواده، میزان ملاقات با استاد راهنما (مشاوره)، آینده ی شغلی و میزان تحصیلات والدین، تبیین می نمایند. با توجه به نتایج، چیدمان کلاس ها به صورت کنفرانسی، اتخاذ سیاست های افزایش جذب و پذیرش دانشجویان بومی در دانشگاه ها، برقراری فرصت های بیشتر اساتید راهنما برای ملاقات با دانشجویان، و در نهایت، بهره گیری از الگوی یادگیری تجربی در آموزش، پیشنهاد گردید.

واژه های کلیدی: پیشرفت تحصیلی، عوامل مؤثر، ترویج و آموزش کشاورزی، رگرسیون.

مقدمه:

رشد و توسعه‌ی هر جامعه متأثر از نیروی آموزش دیده‌ی آن جامعه می‌باشد بنا براین دستیابی به بهره‌وری و بهبود کیفیت نظام آموزشی را می‌توان اثرگذارترین عامل در توسعه‌ی کشورها دانست (صفدری ده چشمه و همکاران، ۱۳۸۳). تربیت نیروی انسانی نوعی سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود و لذا کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه، بیش از پیش دریافته‌اند که باید به تکمیل کیفیت سرمایه‌ی انسانی خود بپردازند. اگر بپذیریم که نیروی انسانی کارآمد و ماهر مهمترین عامل موفقیت در تحقق اهداف گوناگون یک کشور است، یکی از راههای مطمئن افزایش بهره‌وری و کارآمدی افراد، آموزش موثر و سازنده‌ی آنهاست. در این خصوص، زمینه‌ساز اصلی برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار در ابتدا آموزش و پرورش هر کشور، و در مرحله‌ی بعد آموزش عالی آن کشور است (فرج‌اللهی و فیروزفر، ۱۳۸۶).

دانشجویان هر جامعه به عنوان قشر روشنفکر و کارآمد و آینده‌سازان هر کشور، گروهی هستند که بخش عمده‌ی برنامه‌ریزی و بودجه‌ی هر کشور را به خود اختصاص می‌دهند. آنان از هوشمندترین و مستعدترین اقشار جامعه می‌باشند (حیدری و کوشان، ۱۳۸۱)، بنابراین شناسایی فاکتورهای موثر در پیشرفت تحصیلی دانشجویان و توجه به آنها، گامی به سوی توسعه‌ی پایدار می‌باشد (صفدری ده چشمه و همکاران، ۱۳۸۳).

پیشرفت تحصیلی از جمله مسائلی است که در بسیاری از مطالعات روانشناسی، مورد توجه قرار می‌گیرد. در روانشناسی، موفقیت، به پاسخ یا عملی گفته می‌شود که طی آن شخص به هدف برسد، یا، موفقیت یک گام قطعی است که به سمت هدف برداشته می‌شود، ولی در تعلیم و تربیت و در موقعیت‌های تحصیلی، موفقیت به درجه‌ای از کارایی اطلاق می‌شود که فرد به فراخور توانایی‌هایش در پیشرفت‌های خود به رضایت شایسته می‌رسد (زمانی و امیری اردکانی، ۱۳۸۲). پیشرفت تحصیلی به معنای مقدار یادگیری آموزشی‌گامی فرد است (سلیمان نژاد و شهرآرای، ۱۳۸۰) و میتوان آن را در مقوله‌های مختلفی از جمله، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و غیره، مورد مطالعه قرار داد. پیشرفت تحصیلی دانشجویان، در کسب موفقیت‌های آتی آنها از اهمیت بسزایی برخوردار است و عدم توجه به این مقوله‌ی اساسی و به تبع آن افت تحصیلی، موجب کاهش سطح علمی و کارایی دانشجویان در جامعه‌ی کنونی خواهد شد. هم‌چنین، شکست تحصیلی، علاوه بر مشکلاتی که برای فرد دانشجو و خانواده‌ی وی ایجاد می‌کند، خسارات فراوانی را نیز برای جامعه در پی خواهد داشت، چرا که باعث به هدر رفتن میزان قابل توجهی از امکانات، منابع و استعدادهای بالقوه‌ی انسانی و اقتصادی شده و اثرات غیر قابل جبرانی را در ابعاد فردی و اجتماعی بر جای می‌گذارد (منیری و همکاران، ۱۳۸۵).

اهمیت تأثیر پیشرفت تحصیلی در سلامت روانی دانش‌آموزان به حدی است که برخی از متخصصان آن را حداقل تا نیمه دوم دوره نوجوانی، معیار اساسی برای تشخیص عملکرد سالم و سلامت روانی دانسته‌اند. به عقیده آنها نوجوانانی که علی‌رغم برخورداری از هوش طبیعی، کارکرد رضایت بخشی در مدرسه نداشته باشند، مشکلات روانی قابل ملاحظه‌ای خواهند داشت. هنگامی که محیط آموزشی زمینه‌های مناسب را برای پیشرفت تحصیلی فراهم کند و همین تجارب موفقیت آمیز در سالهای تحصیلی بعدی نیز تکرار شود، نوعی مصونیت در برابر بیماریهای روانی برای مدتی نامحدود در فرد ایجاد می‌شود. چنین فردی قادر خواهد بود که به راحتی بر فشارها و بحرانهای زندگی غلبه کند.

عوامل متعددی از جمله، عوامل اقتصادی، اجتماعی، فردی، خانوادگی و آموزشی، در پیشرفت تحصیلی موثرند، اما متأسفانه چندان که باید مورد توجه قرار نمی‌گیرند. مهمتر اینکه در این میان، عوامل پنهانی نیز دخیل هستند، که به طور غیر مستقیم، بر موفقیت یا عدم موفقیت تحصیلی فرد، تأثیر می‌گذارند. عواملی چون شغل والدین، وضعیت اقتصادی خانواده، اضطراب امتحان، انگیزه و علاقه، استعداد و توانایی‌های فردی و غیره، بر پیشرفت تحصیلی موثر می‌باشند، اما نکته‌ی جالب اینجاست که در پژوهش حاضر، «محل نشستن در کلاس» به عنوان یک عامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی شناخته شد، عاملی که تا کنون در مطالعات انجام شده‌ی قبلی، به آن توجه چندان نشده است. نه تنها این عامل، بلکه

عوامل دیگری نیز هستند که متأسفانه آنچنان که باید به آنها توجه کافی نشده است چرا که معمولاً محققان در پژوهش های خود، تنها اثر یک عامل را بر موفقیت تحصیلی مورد بررسی قرار می دهند، اما باید اذعان داشت که پرداختن به تمام این عوامل، عملاً کاری بس دشوار است، اما به رغم دشوار بودن، نباید نادیده انگاشته شود، زیرا، آینده ی یک جامعه، منوط بر داشتن افرادی موفق و کارآمد بوده که توان پیشبرد اهداف جامعه را دارا باشند، لذا موفقیت در تحصیل، از مهمترین عوامل انگیزشی برای برداشتن گامهای بلندتری به سوی موفقیت های یک کشور خواهد بود.

بدین ترتیب با توجه به آنچه که بیان شد، دانشجویان، اساتید، برنامه ریزان آموزشی، دانشگاهها و نظام آموزشی، لازم است به عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی توجه کافی داشته باشند تا بتوانند، برنامه ریزی های مناسبی را جهت پیشبرد اهداف آموزشی داشته، و زمینه را برای موفقیت هرچه بیشتر دانشجویان فراهم آورند. لذا، توجه به عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی بسیار ضروری بوده، چرا که موفقیت و پیشرفت دانشجویان در امر تحصیل، علاوه بر پیامدهای اجتماعی و اقتصادی که دارد، خود، عامل بالا رفتن اعتبار دانشگاهی می شود که دانشجویان موفق تریب می کند، و نظام آموزشی که بتواند نیروی تحصیل کرده، موفق و کارآمد را وارد جامعه نماید، نظامی موفق و کارا خواهد بود.

پیشینه ی تحقیق:

تاکنون مطالعات وسیعی در زمینه ی بررسی عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی صورت گرفته و نتایج بدست آمده از اکثر قریب به اتفاق این تحقیقات، حاکی از آن است که عوامل متعددی در حیطه های مختلف شخصیتی، خانوادگی، محیطی، آموزشی و غیره، می توانند پیشرفت تحصیلی را تحت تاثیر خود قرار دهند. در ایران مطالعات پراکنده ای در زمینه ی بررسی ارتباط و تاثیر این عوامل بر روی پیشرفت تحصیلی انجام گرفته که در اکثر آنها سعی شده است که تاثیر هر کدام از عوامل را به صورت مجزا، در قالب یک تحقیق مورد بررسی قرار دهند، اما در تحقیق حاضر بیشتر سعی بر آن شد که تاثیر و ارتباط تمام عوامل، از حیطه ها و ابعاد مختلف بر پیشرفت تحصیلی مورد تحقیق و بررسی قرار داده شود.

از جمله مطالعات مرتبط با پیشرفت تحصیلی، می توان به پژوهش سازمان یونسکو (۱۹۹۲)، اشاره کرد. این سازمان طرح تحقیقی با هدف عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی اجرا نمود. نتایج این مطالعه نشان داد که عواملی چون محیط آموزشی، ویژگی های مدرس، ویژگی های فراگیر و خانواده در پیشرفت تحصیلی تأثیر دارد که هر یک از این عوامل چهار گانه، تابع شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه می باشد.

اغلب محققانی که اقدام به بررسی رابطه ی انگیزش و پیشرفت تحصیلی نموده اند به این نتیجه رسیده اند که عوامل انگیزشی بخصوص خودکفایتی، خودکارآمدی، اضطراب، منبع کنترل درونی، عزت نفس و خویشتن پنداری، رابطه ی معنا داری با پیشرفت تحصیلی دارند (پاشا شریفی، ۱۳۸۰؛ البرزی و سیف، ۱۳۸۱؛ حسن زاده، ۱۳۸۱؛ بیابانگرد، ۱۳۸۱؛ ولی زاده و همکاران، ۱۳۸۶؛ مک کامبز، ۱۹۹۰؛ ریتا، ۱۹۹۹).

عابدی و عریضی (۱۳۸۱)، در مطالعه ای تحت عنوان «بررسی رابطه ی پیشرفت تحصیلی با ویژگی های شخصیتی و خانوادگی فراگیران» به این نتیجه رسیدند که متغیرهای شخصیتی، خانوادگی، مدرسه ای و اجتماعی، هوش، مهارت و عزت نفس، اضطراب عمومی، سطح آرزومندی، اسنادهای سببی، خود اثربخشی و یادگیری خودگردان، با پیشرفت تحصیلی ارتباط معناداری دارند.

بسیاری از محققان نیز در صدد بررسی نقش عوامل آموزشی بر پیشرفت تحصیلی برآمده اند که نتایج حاصل از مطالعات آن ها نشان دهنده ی وجود یک رابطه ی معنا دار و مثبت بین عواملی مانند امکانات آموزشی، ازدحام و تراکم دانشجویان و دانش آموزان در کلاس، سابقه ی آموزشی معلمان، کیفیت آموزش، میزان همکاری دانش آموختگان با تشکل ها و انجمن های دانشجویی، میزان ارتباط دانشجویان با اساتید و مشاوران و میزان رضایتمندی دانش آموختگان از اعضای هیات علمی و در کل میزان رضایتمندی از موسسه ی آموزشی با پیشرفت تحصیلی می باشد (ادهمی و همکاران، ۱۳۸۱؛ زمانی و امیری اردکانی، ۱۳۸۲؛ معین پور، ۱۳۸۲؛ فاضلی، ۱۳۸۳).

یکی از مهمترین فاکتورهای آموزشی که نقش بسزایی در پیشرفت و موفقیت تحصیلی فراگیران دارد و نمی توان تاثیر آن را نادیده گرفت، مشاوره ی تحصیلی است که از جمله ی مطالعات انجام شده در این زمینه می توان به تحقیق کنت و راجرز (۲۰۰۲) اشاره نمود که در این پژوهش، محققان به بررسی چگونگی حل مسایل آموزشی با استفاده از خدمات مشاوره در تعدادی از دانشگاههای آمریکا پرداخته اند و یافته های این تحقیق نشان می دهد که مشاوره ی تحصیلی تاثیر مهمی در کسب و ارتقای خود پنداری مثبت، افزایش مهارت های اجتماعی و نهایتا پیشرفت تحصیلی دانشجویان دارد. در این میان تحقیقات مشابهی نیز در زمینه ی بررسی رابطه ی عوامل خانوادگی نسبت به تحصیل، در گیری والدین و امر تحصیل، تعداد اعضای خانواده، شغل والدین، طبقه ی اجتماعی و در آمد خانواده با پیشرفت تحصیلی صورت گرفته است که نتایج اغلب این مطالعات حاکی از آن است که رابطه ی معناداری بین این عوامل با پیشرفت تحصیلی وجود دارد، که هرچه تعداد اعضای خانواده کمتر، در گیری والدین نسبت به تحصیل بیشتر، و طبقه ی اجتماعی و درآمد خانواده بالاتر باشد، پیشرفت تحصیلی فراگیران نیز بیشتر خواهد بود (خیر، ۱۳۷۶؛ حجازی و امیدی نجف آبادی، ۱۳۸۲؛ لواسانی و همکاران، ۱۳۸۲).

در زمینه ی شرایط اقتصادی بر پیشرفت تحصیلی و ارتباط این دو می توان به مطالعه ی بیگس (۱۹۹۱)، تحت عنوان « تاثیر مسایل خانوادگی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان» اشاره نمود که ایشان در تحقیق خود به رابطه ی معنادار و مثبت بین درآمد خانواده و پیشرفت تحصیلی پی برده است و اشاره می کند که هرچه درآمد خانواده بیشتر شود، معدل دانشجویان نیز بیشتر خواهد بود.

رحمانی (۱۳۸۶)، از جمله کسانی است که در زمینه ی عوامل مرتبط با پیشرفت تحصیلی تحقیقاتی را انجام داده است. یافته های تحقیقات وی حاکی از این است که پیشرفت و موفقیت تحصیلی به عوامل متفاوتی از جمله هوش فرد، کمیت و کیفیت یادگیری های قبلی او، کیفیت آموزش، عوامل مربوط به خانواده و میزان تمرین و مرور درسها و در نهایت نگرش فرد بستگی دارد.

صفدری ده چشمه و همکاران (۱۳۸۶) و حجازی و همکاران (۱۳۸۲)، طی انجام تحقیقاتی به وجود ارتباط مثبت بین متغیرهای جنسیت، معدل قبلی، برنامه ریزی تحصیلی، رشته ی تحصیلی و ساعات مطالعه با پیشرفت تحصیلی پی بردند. از دیگر مواردی که شاهد انجام مطالعاتی در خصوص تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی بوده ایم، بومی و غیر بومی بودن دانشجویان است که در بسیاری از تحقیقات نظیر تحقیق حاضر به وجود رابطه ی معنادار و مثبت بین بومی و غیر بومی بودن با پیشرفت تحصیلی پی برده شد. یعنی این عامل می تواند تاثیر خاصی بر پیشرفت تحصیلی داشته باشد (ساعی، ۱۳۷۷؛ زند، ۱۳۸۵).

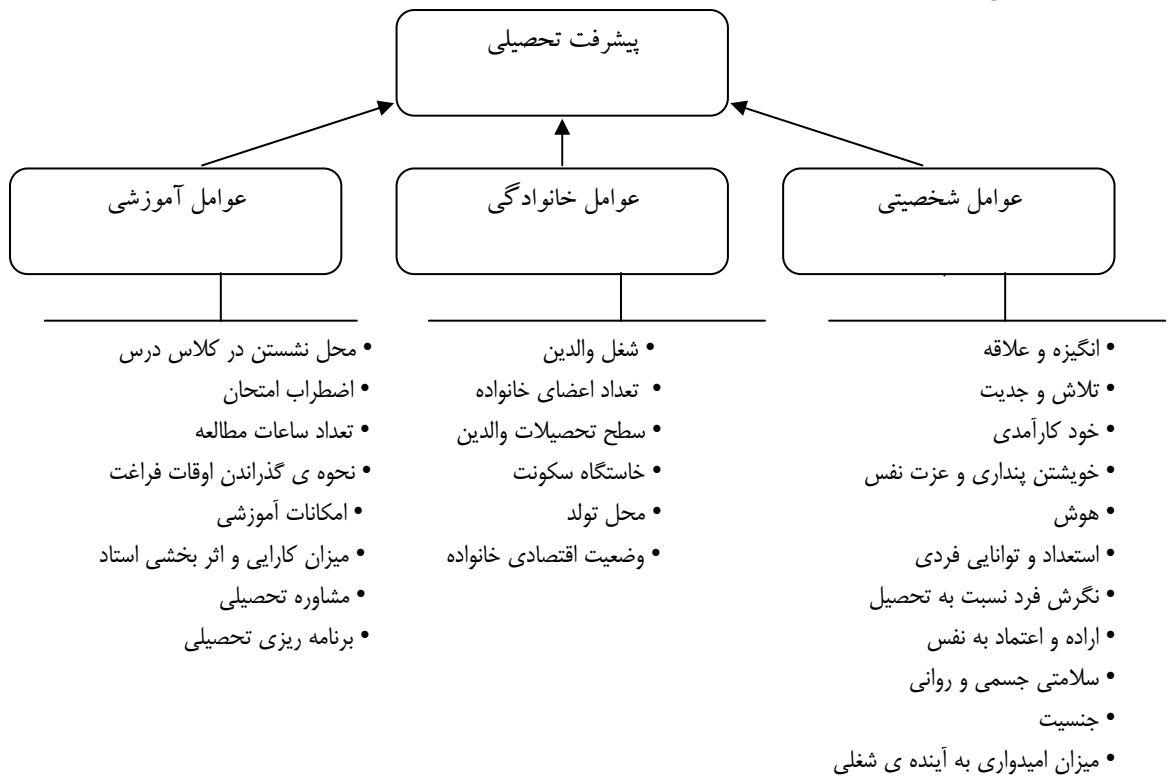
از دیگر فاکتور های موثر بر پیشرفت تحصیلی که مطالعات کمی در خصوص آن صورت گرفته است، می توان به موقعیت فرد در کلاس اشاره نمود. یکی از جدیدترین تحقیقات مهم در این زمینه، مطالعه ی گوسارد و همکاران (۲۰۰۶)، می باشد. بر اساس نتایج مطالعه ی ایشان، محل نشستن در کلاس به طور موثری بر پیشرفت دانش آموزان و دانشجویان تاثیر می گذارد، به طوریکه دانش آموزانی که در عقب کلاس می نشینند، پایین ترین پیشرفت تحصیلی را نسبت به آنهایی که در جلو یا وسط کلاس می نشینند داشته اند. همچنین در تحقیق دیگری، هاگ و بندیکت (۲۰۰۴)، طی انجام مطالعه ای در همین زمینه به این نتیجه رسیدند که محل نشستن افراد در کلاس با پیشرفت تحصیلی آنها رابطه ی معناداری دارد و چنانچه دانشجویانی که در عقب کلاس می نشینند جای خود را به جلو یا وسط کلاس تغییر دهند، نمرات آنها و در کل، پیشرفت تحصیلی آنها بهبود خواهد یافت.

با توجه به بررسی های به عمل آمده در خصوص سوابق موضوع، می توان اذعان داشت، پژوهش هایی که تا کنون در زمینه ی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی در کشور ایران انجام گرفته است، بیشتر بر اهمیت ویژگی های شخصیتی، خانوادگی و محیطی پرداخته اند. در صورتی که در این پژوهش، عوامل مهم دیگری از جمله محل نشستن در کلاس

درس و امیدواری به آینده ی شغلی، به عنوان عوامل تأثیرگذار در پیشرفت تحصیلی مورد تأکید قرار گرفته است. بدین سان، شاید بتوان ادعا کرد که پژوهش حاضر، مطالعه ی پیشرفت تحصیلی را در کشورمان ایران، یک گام به جلو هدایت خواهد نمود. هم چنین حسن اصلی این پژوهش بر این است که علاوه بر تعیین عوامل مؤثر و مرتبط بر پیشرفت تحصیلی به عنوان یک مقوله ی اساسی، روند این پیشرفت نیز در دانشجویان مورد مطالعه قرار می گیرد. در حالی که در بیشتر پژوهش های پیشین به یکی از این دو مقوله پرداخته شده است.

مطابق با مطالب فوق، هدف کلی این تحقیق، بررسی روند پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه و عوامل مؤثر بر آن می باشد. اهداف اختصاصی این تحقیق عبارتند از :

- ۱- مقایسه ی پیشرفت تحصیلی دانشجویان دوره های روزانه و شبانه ی ورودی ۸۲.
 - ۲- مقایسه ی پیشرفت تحصیلی دانشجویان دوره های روزانه و شبانه ی ورودی ۸۳.
 - ۳- مقایسه ی پیشرفت تحصیلی دانشجویان دوره های روزانه و شبانه ی ورودی ۸۴.
 - ۴- مقایسه ی پیشرفت تحصیلی دانشجویان ورودی های ۸۲، ۸۳ و ۸۴.
 - ۵- تعیین عوامل مرتبط و مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی .
- در نهایت ، عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، در قالب چارچوب مفهومی ذیل ارائه می گردد.



روش تحقیق:

این تحقیق از نظر ماهیت، از نوع پژوهش های کمی، از نظر میزان کنترل متغیرها از نوع غیر آزمایشی، از نظر هدف از زمره تحقیقات کاربردی و از جهت روش، توصیفی-همبستگی است.

پژوهش حاضر در دو بخش صورت گرفت. در بخش اول، روند پیشرفت تحصیلی دانشجویان رشته ی ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه از سال ۸۲ تا ۸۴ بررسی گردید. بدین منظور از معدل کل و معدل ترم، که از طریق بررسی پرونده های دانشجویان موجود در اداره ی خدمات آموزشی دانشکده ی کشاورزی به دست آمد، به عنوان شاخص

های پیشرفت تحصیلی بهره گرفته شد. اطلاعات به دست آمده توسط نرم افزار SPSS و با استفاده از آزمون های t مستقل و آنالیز واریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

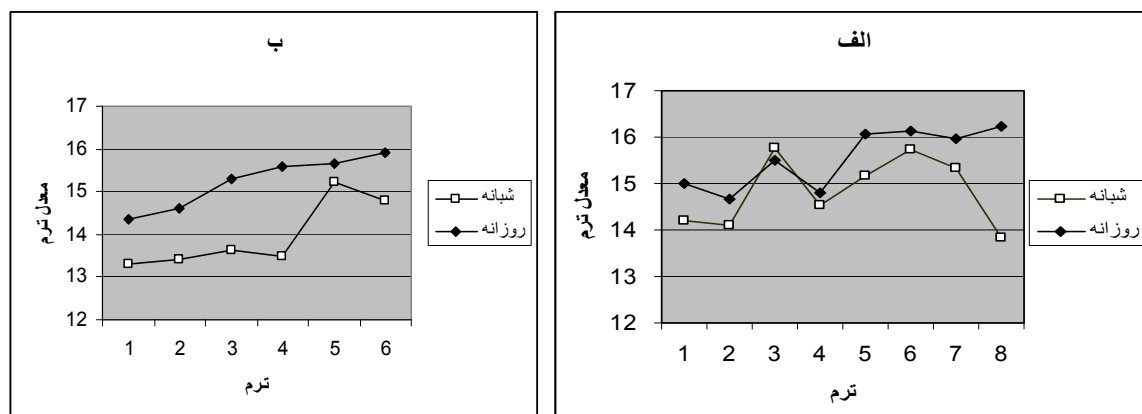
در بخش دوم تحقیق، به منظور بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی، ابتدا مبانی نظری موضوع با توجه به منابع و مراجع مربوطه مورد بررسی قرار گرفت. سپس با در نظر گرفتن نتایج مطالعات، پرسشنامه ای به عنوان ابزار جمع آوری اطلاعات میدانی تحقیق تهیه گردید. برای تعیین روایی پرسشنامه از پانل متخصصان استفاده شد. و به منظور تعیین پایایی ابزار نیز تعداد ۳۰ پرسشنامه توسط دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی تکمیل و آلفای کرونباخ آن محاسبه گردید ($\alpha=0/65$) که برای تحقیق حاضر ضریب پایایی مناسبی بود. جامعه آماری راکلیه ی دانشجویان دوره ی روزانه و شبانه ی ورودی ۸۴ و ۸۵ رشته ی ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی، شامل ۱۰۷ نفر از دانشجویان در مقطع کارشناسی تشکیل دادند که از این تعداد ۱۰۷ نفر به پرسشنامه ها پاسخ داده و مورد مطالعه قرار گرفتند. به منظور تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS، آماره هایی شامل: میانگین، درصد و فراوانی، و آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد.

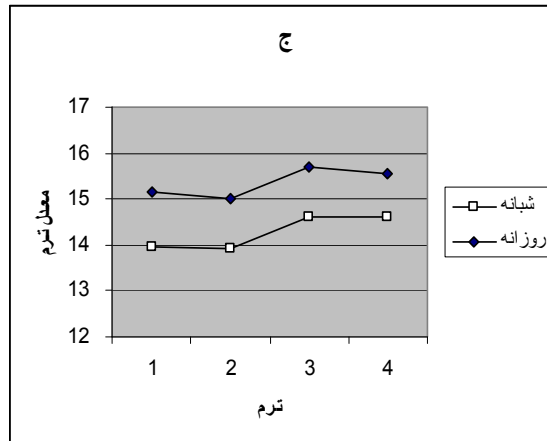
یافته ها:

۱- بررسی چگونگی روند پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه:

به منظور بررسی روند پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج از معدل کل و معدل ترم (به عنوان شاخص های پیشرفت تحصیلی) سه ورودی ۸۲، ۸۳ و ۸۴ شامل ۱۵۹ دانشجو بهره گرفته شد.

شکل ۱، نشان دهنده ی روند پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج و تفاوت بین معدل ترم دوره های روزانه و شبانه ی ورودی های متفاوت است.





الف) ورودی ۸۲ ، ب) ورودی ۸۳ ، ج) ورودی ۸۴ .

شکل ۱: تفاوت بین معدل ترم دوره های روزانه و شبانه ی ورودی های متفاوت.

مطابق با شکل ۱، یک روند افزایشی را در پیشرفت تحصیلی دانشجویان ورودی های متفاوت می توان استنباط کرد. به طوری که معدل ترم در ورودی ۸۲ در هشت ترم سپری شده مساوی نبوده و از ترم اول تا ترم هشتم روند افزایشی را طی کرده است. در سایر ورودی ها نیز همین روند تکرار می گردد. به منظور مقایسه بین دوره های روزانه و شبانه در هر ورودی از آزمون t - استیودنت استفاده شد. نتایج حاصل در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: مقایسه ی بین دوره های روزانه و شبانه در ورودی های متفاوت.

متغیر	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معنی داری
ورودی ۸۲	۱۵/۱۸	۰/۵۰	۲/۰۳	۱۴	۰/۰۶۱
روزانه	۱۵/۵۵	۰/۶۴			
شبانه	۱۴/۸۳	۰/۷۶			
ورودی ۸۳	۱۴/۶۱	۰/۹۰	۳/۰۴	۱۰	۰/۰۱۲
روزانه	۱۵/۲۵	۰/۶۲			
شبانه	۱۳/۹۷	۰/۸۲			
ورودی ۸۴	۱۴/۸۰	۰/۷۶	۴/۲۷	۶	۰/۰۰۵
روزانه	۱۵/۳۵	۰/۳۲			
شبانه	۱۴/۲۷	۰/۳۹			

بر اساس جدول ۱، می توان چنین استنباط نمود که، اگر چه میانگین دوره ی روزانه بیشتر از دوره ی شبانه ی ورودی ۸۲ است ولی این اختلاف از نظر آماری معنی دار نیست ($p=0/061$). اما، با احتمال ۹۵ درصد بین میانگین دوره های روزانه و شبانه ی ورودی ۸۳ از لحاظ آماری تفاوت معنی داری وجود دارد ($p=0/012$). مقایسه ی دو میانگین بیانگر این است که میانگین دوره ی روزانه ($M=15/25$) به طور معنی داری بیشتر از میانگین دوره ی شبانه ($M=13/97$) است. با احتمال ۹۹ درصد نیز بین دوره های روزانه و شبانه ی ورودی ۸۴ از نظر آماری تفاوت معنی داری وجود دارد ($p=0/005$). لذا، دوره روزانه ۸۴ دارای میانگین بالاتری نسبت به دوره ی شبانه است. برای سنجش تفاوت بین میانگین ورودی های مختلف (روزانه و شبانه توأم) از آزمون ANOVA استفاده شد. خلاصه ی نتایج در جدول ۲ ارایه شده است.

جدول ۲: خلاصه ی نتایج تحلیل واریانس تفاوت بین میانگین ورودی های مختلف رشته ی ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه.

مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی داری	مجذور اتا
بین گروهی	۰/۳۴۲	۲	۰/۱۷۱	۰/۳۱۲	۰/۷۵۳
درون گروهی	۱/۶۴۴	۳	۰/۵۴۸		
کل	۱/۹۸۶	۵			

جدول ۲، اختلاف معنی داری بین میانگین ورودی های مختلف (۸۲، ۸۳ و ۸۴) رشته ی ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه مشاهده نمی شود. مجذور اتا نیز نشان می دهد که تنها ۱۷ درصد تغییرات متغیر وابسته میانگین به وسیله ی متغیر مستقل ورودی تبیین می شود. نتایج آزمون Post Hoc نیز بیانگر آن است که بین هیچ یک از دو گروه (از سه ورودی ۸۲، ۸۳ و ۸۴) از لحاظ آماری تفاوت معنی داری وجود ندارد.

۲- بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه:

متغیرهای مستقل این تحقیق شامل: جنسیت، خاستگاه سکونت، محل تولد، تعداد ساعات مطالعه، محل نشستن در کلاس درس، وضعیت اقتصادی خانواده، تعداد اعضای خانواده، میزان تحصیلات والدین، انگیزه و علاقه، تلاش و جدیت، هوش، خویشتن پنداری و عزت نفس، استعداد و توانایی فردی، نحوه ی گذراندن اوقات فراغت، نگرش فرد نسبت به تحصیل، اراده و اعتماد به نفس، اضطراب امتحان، باور به خودکارآمدی، ملاقات با استاد راهنما (مشاوره)، امیدواری به آینده ی شغلی، سلامتی جسمی و روحی، امکانات آموزشی، میزان کارایی و اثربخشی استاد، شغل والدین و برنامه ریزی تحصیلی می باشد. متغیر وابسته تحقیق را پیشرفت تحصیلی (معدل) تشکیل می دهد.

جهت بررسی نقش عوامل مؤثر مذکور بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج، مطالعه ای بر روی ۱۰۷ نفر دانشجوی ترویج از ورودی های ۸۴ (n=۵۲) و ۸۵ (n=۵۵) صورت گرفت. از این تعداد ۲۴ نفر مرد و ۸۳ نفر زن بودند. اکثر پاسخگویان معدل بین ۱۶ تا ۱۸ داشتند. متوسط تعداد ساعات مطالعه پاسخگویان ۷/۹۵ و دامنه ی مطالعه بین ۰ تا ۲۰ ساعت برآورد گردید. ۳۶/۴۵ درصد از پاسخگویان در جلوی کلاس و ۴۷/۶۶ درصد و ۱۵/۸۹ درصد به ترتیب در وسط و عقب کلاس می نشینند. اکثر پاسخگویان غیر بومی (۶۹/۱۶٪) و ۷۲/۹۰ درصد از آن ها در شهر و مابقی در روستا متولد شده اند (۲۷/۱۰٪).

به منظور بررسی و تبیین متغیرهای پیش گوکننده ی پیشرفت تحصیلی از تحلیل رگرسیون چند گانه به روش گام به گام استفاده شد (جدول ۳).

جدول ۳: متغیرهای پیش گو کننده ی پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج دانشکده ی کشاورزی دانشگاه رازی بر اساس تحلیل رگرسیون گام به گام.

سطح معنی داری	t	مقدار بتا	خطای معیار	مقدار B	مدل
۰/۰۰۰	۷/۱۵۶		۰/۴۵۲	۳/۲۳۷	(مقدار ثابت)
۰/۰۰۰	۱۰/۷۹۶	۰/۵۵۹	۰/۱۲۸	۱/۳۸۶	محل نشستن در کلاس درس (جلو)
۰/۰۰۰	-۶/۱۴۸	-۰/۳۳۷	۰/۰۵۲	-۰/۳۲۲	وضعیت اقتصادی خانواده
۰/۰۰۰	-۴/۹۳۲	-۰/۲۸۹	۰/۰۶۱	-۰/۳۰۳	اضطراب امتحان
۰/۰۰۱	-۳/۳۴۸	-۰/۱۷۹	۰/۱۳۸	-۰/۴۶۲	خاستگاه سکونت (غیر بومی)
۰/۰۰۱	۳/۳۵۰	۰/۱۷۱	۰/۰۶۱	۰/۲۰۳	انگیزه و علاقه
۰/۰۱۷	۲/۴۳۵	۰/۱۵۰	۰/۰۵۲	۰/۱۲۶	باور به خودکارآمدی
۰/۰۰۰	-۴/۲۶۷	-۰/۲۵۸	۰/۰۶۸	-۰/۲۸۹	تعداد اعضای خانواده
۰/۰۰۱	۳/۴۸۰	۰/۲۰۰	۰/۰۵۸	۰/۲۰۱	ملاقات با استا راهنما (مشاوره)
۰/۰۱۸	۲/۴۰۹	۰/۱۳۱	۰/۰۶۹	۰/۱۶۵	آینده ی شغلی
۰/۰۴۴	۲/۰۴۲	۰/۱۲۱	۰/۰۵۷	۰/۱۱۶	میزان تحصیلات والدین

ضریب همبستگی چندگانه (R) در این تحلیل برابر $۰/۸۸$ و ضریب تعیین (R^2) برابر $۰/۷۶$ است که نشان می دهد متغیرهای محل نشستن در کلاس درس (جلو)، وضعیت اقتصادی خانواده، اضطراب امتحان، خاستگاه سکونت (غیر بومی)، انگیزه و علاقه، باور به خودکارآمدی، تعداد اعضای خانواده، میزان ملاقات با استاد راهنما (مشاوره)، آینده ی شغلی و میزان تحصیلات والدین، ۷۶ درصد از تغییرات متغیر پیشرفت تحصیلی (معدل) را تبیین می کنند. بر اساس جدول ۳ متغیر محل نشستن در کلاس (جلو) با دارا بودن بیشترین مقدار بتا از اهمیت بیشتری نسبت به متغیرهای دیگر در پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانشجویان برخوردار است. و کم اثرترین متغیر نیز در این بین میزان تحصیلات والدین بوده است. جدول ۴، ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین متغیرهای پیش گوی مذکور و متغیر وابسته ی پیشرفت تحصیلی (معدل) را نشان می دهد.

جدول ۴: ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین متغیرهایی پیش گو و پیشرفت تحصیلی (معدل).

متغیر پیش گو / مستقل	R	R^2	R^2 تعدیل شده
محل نشستن در کلاس درس (جلو)	۰/۶۳	۰/۴۰	۰/۳۹
وضعیت اقتصادی خانواده	۰/۷۵	۰/۵۶	۰/۵۶
اضطراب امتحان	۰/۷۸	۰/۶۰	۰/۵۹
خاستگاه سکونت (غیر بومی)	۰/۸۰	۰/۶۴	۰/۶۳
انگیزه و علاقه	۰/۸۲	۰/۶۸	۰/۶۶
باور به خودکارآمدی	۰/۸۴	۰/۷۰	۰/۶۸
تعداد اعضای خانواده	۰/۸۵	۰/۷۲	۰/۷۰
ملاقات با استا راهنما (مشاوره)	۰/۸۶	۰/۷۴	۰/۷۲
آینده ی شغلی	۰/۸۷	۰/۷۵	۰/۷۳
میزان تحصیلات والدین	۰/۸۸	۰/۷۶	۰/۷۴

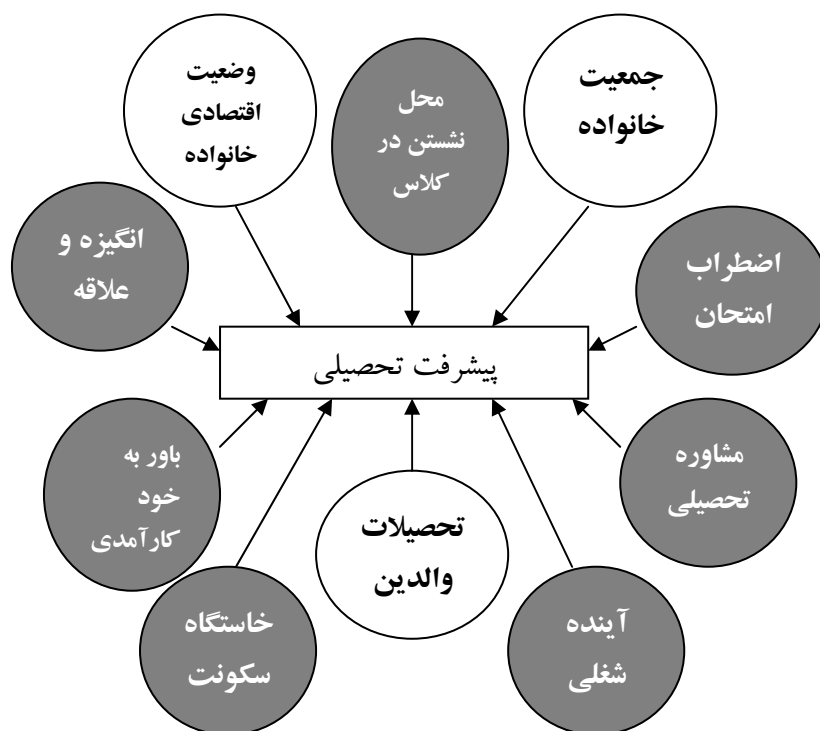
بر اساس جدول ۴، از بین متغیرهای مستقل ذکر شده، محل نشستن در کلاس (جلو) بیشترین سهم را در تبیین واریانس پیشرفت تحصیلی (معدل) دارد (۳۹ درصد). مطابق با کوهن^۱ (۱۹۸۸) این مقدار، اثر زیادی خواهد بود. لذا، می توان گفت یکی از عوامل اصلی شکل دهنده ی پیشرفت تحصیلی، جلو نشستن در کلاس درس است.

با توجه به نتایج تحلیل رگرسیون و همبستگی بین هر یک از متغیرهای پیش گو کننده ی محل نشستن در کلاس درس، انگیزه و علاقه، باور به خودکارآمدی، میزان ملاقات با استاد راهنما (مشاوره)، امیدواری به آینده ی شغلی و میزان تحصیلات والدین، با معدل (به ترتیب شامل: $r=0/69$ ، $r=0/43$ ، $r=0/35$ ، $r=0/44$ ، $r=0/28$ ، $r=0/22$) می توان چنین استنباط کرد دانشجویانی که در جلوی کلاس می نشینند، معدل بالاتری دارند تا آن هایی که در وسط یا عقب کلاس می نشینند. همچنین، دانشجویانی که انگیزه و علاقه بیشتری دارند یا از روحیه ی خودکارآمدی بالاتری برخوردارند نسبت به سایرین معدل بالاتری را کسب می کنند. امیدواری به آینده ی شغلی و میزان تحصیلات والدین نیز پیش گوکننده مثبت پیشرفت تحصیلی دانشجویان است. از طرفی، وجود همبستگی منفی بین هر یک از متغیرهای پیش گوکننده ی وضعیت اقتصادی خانواده، اضطراب امتحان، خاستگاه سکونت و تعداد اعضای خانواده، با معدل ($r=-0/48$)، ($r=-0/46$ ، $r=-0/44$ ، $r=-0/47$) نشان دهنده ی این است که دانشجویان با معدل کمتر در خانواده هایی با وضعیت اقتصادی بهتر زندگی می کنند. و هر چه میزان اضطراب امتحان در دانشجویان بیشتر باشد منجر به کسب نمرات پایین تری شده و به موزات آن معدل نیز کاهش می یابد. نتایج همچنین گواه بر این واقعیت است که دانشجویان غیر بومی، به بیان دیگر آن هایی که در خوابگاه سکونت دارند، از معدل پایین تری نسبت به دانشجویان بومی برخوردارند. از سوی دیگر بین تعداد اعضای خانواده و پیشرفت تحصیلی رابطه ی معنادار معکوسی وجود دارد چنان چه هر قدر جمعیت خانواده بیشتر باشد، دانشجویان معدل کمتری را کسب خواهند کرد.

جدا از موارد مؤثر مذکور، سایرمتغیرها شامل: جنسیت، تعداد ساعات مطالعه، محل تولد، تلاش و جدیت، خویشتن پنداری و عزت نفس، هوش، استعداد و توانایی فردی، نحوه ی گذراندن اوقات فراغت، نگرش فرد نسبت به تحصیل، اراده و اعتماد به نفس، سلامتی جسمی و روانی، امکانات آموزشی، میزان کارایی و اثر بخشی استاد، شغل والدین و برنامه ریزی تحصیلی، در تحلیل رگرسیون معنی دارنشده و از معادله حذف گردیدند.

در نهایت کلیه ی عوامل مؤثر در شکل ذیل خلاصه شده اند. در این شکل عواملی که می تواند به منظور بهبود برون داد های آموزشی مد نظر برنامه ریزان و مدیران دانشگاهی قرار گیرند، برجسته تر (پر رنگ تر) ترسیم شده است.

¹ Cohen



شکل ۲: نمای کلی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی

بحث، نتیجه گیری و پیشنهادها:

در تحقیق حاضر به منظور بررسی روند پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی و عوامل مؤثر بر آن، از شاخص های معدل کل و معدل ترم بهره گرفته شد. اگر چه معدل، تنها شاخص برای ارزیابی پیشرفت تحصیلی نیست، اما به نظر می آید که گویاترین و روشن ترین شاخص باشد. به طوری که در اکثر تحقیقات پیشین نیز مورد استفاده قرار گرفته است (زمانی و امیری اردکانی، ۱۳۸۲؛ حجازی و همکاران، ۱۳۸۲؛ حجازی، ۱۳۸۳؛ حجازی و امیدی نجف آبادی، ۱۳۸۵؛ ولی زاده و همکاران، ۱۳۸۶؛ صفدری ده چشمه و همکاران، ۱۳۸۶؛ اویس قرن و همکاران، ۲۰۰۱).

در بخش اول تحقیق، مبنی بر بررسی روند پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج و آموزش کشاورزی، نتایج نشان می دهد که این روند به طور کلی، در تمامی دوره های روزانه و شبانه ورودی های ۸۲، ۸۳ و ۸۴، یک روند افزایشی است. در مقایسه ی روند پیشرفت تحصیلی بین دوره های روزانه و شبانه در هر ورودی، نتایج بیانگر این است که بین پیشرفت تحصیلی دانشجویان روزانه و شبانه ورودی ۸۲ تفاوت معنی داری از لحاظ آماری وجود ندارد. در حالی که در سایر ورودی ها وجود چنین تفاوتی بین دوره های روزانه و شبانه اثبات می گردد. در واقع در دو سال اول تحصیل ورودی ۸۲، دانشجویان دوره شبانه تلاش بسیاری در جهت افزایش معدل خود نسبت به دانشجویان دوره روزانه داشته اند. دلیل احتمالی این یافته می تواند این باشد که با توجه به سابقه ی تأسیس دوره شبانه رشته ی ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی در سال ۱۳۷۴، فاصله ی زمانی کمتر بین سال ۸۲ تا ۷۴ و بررسی های آماری به دست آمده در رابطه با تعداد کم دانشجویان شبانه ورودی ۸۲ نسبت به ورودی های بعدی، این باور در بین دانشجویان شکل گرفته که مدرک شبانه دانشگاهی نسبت به مدرک روزانه از اعتبار کمتری برخوردار بوده و منزلت دوره شبانه از دوره روزانه پایین تر است. لذا، این نگرش منفی به عنوان محرکی منجر به افزایش تلاش برای کسب معدل بالاتر توسط دانشجویان شبانه نسبت به دانشجویان روزانه گردیده، به امید آن که بدین طریق بتوانند خلاء موجود را تا حدودی پر کنند. به تدریج با اصلاح باور موجود در بین دانشجویان و افزایش ظرفیت های پذیرش دانشجویان شبانه، تفاوت معنی داری بین معدل دوره های روزانه و شبانه شکل گرفته است. به گونه ای که دانشجویان روزانه پیشرفت تحصیلی بالاتری را نسبت به دانشجویان

شبانۀ کسب کرده اند. هر چند که دلیل احتمالی این امر نیز می تواند این باشد که دانشجویان شبانۀ نسبت به دانشجویان روزانۀ از اضطراب بالاتر و سطح انگیزش پایین تری برخوردارند. چرا که به دلیل فشار هزینه ی شهریه ی شبانۀ بر اقتصاد خانواده، معمولاً سطحی از تشنج و نگرانی برای تأمین این هزینه توسط والدین، در خانواده شکل می گیرد که تا حدودی منجر به اضطراب و پریشانی خاطر دانشجویان شبانۀ شده و با توجه به نقش مؤثر اضطراب به عنوان یک عامل بازدارنده ی پیشرفت تحصیلی، منتهی به کسب معدل پایین تری خواهد شد. همچنین با نگاهی گذرا به رتبه های مورد نیاز برای قبولی در دوره روزانۀ و شبانۀ دانشگاه ها، کسب معدل های بالاتر توسط دانشجویان روزانۀ توجیه منطقی تری می یابد. بنابر نتایج تحقیق، بین معدل کل ورودی های ۸۲، ۸۳ و ۸۴ رشته ی ترویج و آموزش کشاورزی تفاوت معنی داری مشاهده نمی شود. توضیح احتمالی این نتیجه این است که عوامل آموزشی از جمله: اساتید، محیط آموزشی، روش های تدریس، مواد آموزشی، برنامه ریزی های درسی و غیره در تمامی دوره ها تا حدود زیادی ثابت بوده است. لذا، با حفظ روند گذشته تغییرات بسیار نامحسوسی در معدل کل ورودی ها به چشم می خورد.

در بخش دوم تحقیق که به منظور شناسایی عوامل مؤثر پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج و آموزش کشاورزی انجام گرفت، یافته های حاصل از رگرسیون نشان داد که بین محل نشستن در کلاس درس با پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. نتایج تحقیقات گوسارد و همکاران (۲۰۰۶)، هاگ و بندیک (۲۰۰۴)، مطابق با نتیجه تحقیق حاضر می باشد. دلیل منطقی این نتیجه این است که عوامل حواس پرتی در جلوی کلاس حداقل و در انتها حداکثر است. به طوری که افرادی که در انتهای کلاس می نشینند کوچکترین حرکات افراد جلویی را مد نظر دارند و این دید، زمینه ی بسیار مساعدی را برای حواس پرتی فرد به وجود می آورد. از این رو این افراد معمولاً پیشرفت تحصیلی پایین تری نسبت به افراد جلویی خواهند داشت.

تحقیق حاضر بیانگر رابطه ی عکس بین وضعیت اقتصادی خانواده و پیشرفت تحصیلی است. این نتیجه بر خلاف نتایج تحقیقات خیر (۱۳۷۶)، حجازی و امیدو نجف آبادی (۱۳۸۲)، لواسانی و همکاران (۱۳۸۲)، حجازی (۱۳۸۳)، بیگس (۱۹۹۱) و عابدینی (۱۳۸۶) است. توضیح احتمالی این نتیجه، این است که دانشجویانی که در خانواده های کم درآمد زندگی می کنند به دلیل مواجهه با محدودیت های زیادتر، خلاء بیشتری را در خانواده ی خود مشاهده نموده و انگیزه ی بیشتری برای رفع این کمبود با کسب معدل و جایگاه اجتماعی بالاتر و به تبع آن آینده ی شغلی مطمئن تر، می یابند.

اضطراب امتحان یکی دیگر از عوامل مهمی است که در این تحقیق، نقش و اهمیت آن در پیشرفت تحصیلی مورد تأکید قرار گرفت. این نتیجه با یافته های تحقیقاتی دیگر در همین راستا همسویی دارد (البرزی و سیف، ۱۳۸۱؛ بیابانگرد، ۱۳۸۱؛ عابدی و عریضی، ۱۳۸۱؛ ولی زاده و همکاران، ۱۳۸۶، پینت ریچ و دی گروت، ۱۹۹۰؛ لطیفیان، ۱۹۹۷). بی شک موارد زیادی می توانند اضطراب امتحان را در دانشجویان تشدید نمایند. تأثیر این عوامل و فشارهای ناشی از آن ها، اضطراب امتحان را بیشتر خواهد نمود و هر چه این اضطراب افزایش یابد تمرکز فرد چه در هنگام مطالعه و چه در زمان پاسخگویی به سؤالات امتحانی دچار تزلزل می گردد. از این رو، نتیجه ی قطعی آن، کاهش نمره ی آزمون و معدل فرد خواهد بود.

نتایج تحقیق همچنین نشان دهنده ی رابطه ی معنی دار بین خاستگاه سکونت و پیشرفت تحصیلی است. در توضیح این یافته می توان گفت که شاید یکی از دلایل این امر نزدیکی و ارتباط بیشتر دانشجویان بومی با محیط خانواده و نقش والدین در تحصیلات فرزندان باشد که در موفقیت تحصیلی آن ها مؤثر است. نتایج تحقیقات ساعی (۱۳۷۷)، حجازی و همکاران (۱۳۸۲)، لواسانی و درانی (۱۳۸۳) و زند (۱۳۸۵) نیز با نتایج این تحقیق همخوانی دارد. از طرفی، این نتیجه بر خلاف یافته ی تحقیق حجازی و امیدو نجف آبادی (۱۳۸۵) مبنی بر عدم وجود تفاوت معنی دار بین معدل دانشجویان خوابگاهی و غیر خوابگاهی است.

با توجه به نقش انگیزه و علاقه در پیشرفت تحصیلی دانشجویان، که مطالعات زیادی در خصوص آن صورت گرفته و همگی از جمله تحقیق حاضر آن را در پیشرفت تحصیلی مورد تأکید قرار داده اند (البرزی و سیف، ۱۳۸۱؛ عابدی و

عریضی، ۱۳۸۱؛ حسن زاده، ۱۳۸۱؛ بیابانگرد، ۱۳۸۱؛ لواسانی و همکاران، ۱۳۸۲؛ پاشاشریفی، ۱۳۸۵؛ ولی زاده و همکاران، ۱۳۸۶؛ مک کامبز و مرزانو، ۱۹۹۰؛ لطیفیان، ۱۹۹۷، ریتا، ۱۹۹۹)، می توان چنین استنباط کرد یکی از چالش های مهم مدارس در قرن بیست و یکم آن است که دانش آموزان را در جهت پیشرفت تحصیلی بیشتر و کسب مهارت های روزآمد برانگیزند (پاشاشریفی، ۱۳۸۵). مسلماً بی انگیزگی و بی علاقه‌گی به یادگیری نه تنها افت تحصیلی را در سطوح مختلف افزایش می دهد، بلکه سازگاری و سلامت روانی دانشجویان و خانواده های آنان را نیز تهدید می کند و پیامد های اجتماعی و اخلاقی مخربی در پی دارد. در نتیجه قابلیت های بالقوه دانشجویان را از رشد و شکوفایی باز می دارد (همان).

یکی دیگر از عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی که در این تحقیق نیز معنی دارری آن به اثبات رسید، باور به خودکارآمدی در دانشجویان است. افراد با خودکارآمدی پایین شاید باور کنند که وضع حل ناشدنی است و این باوری است که تنیدگی، افسردگی و دیدی باریک بینانه را برای گره گشایی، پرورش می دهد (رجبی، ۱۳۸۵). از سوی دیگر، شواهدی وجود دارد که اذعان می دارد، بالا رفتن سطح خودکارآمدی باعث افزایش انگیزش تحصیلی خواهد شد (گلاور و بروتینگ، ۱۳۸۳). در این زمینه، بندورا (۱۹۷۷) نیز بیان نموده است که افراد با باورهای خودکارآمدی بالا، در انجام تکالیف درسی بیشتر شرکت کرده، سخت تر کار می کنند و در زمان برخورد با مشکلات، زمان بیشتری مقاومت نشان می دهند. لذا، نتیجه ی مسلم باور به خودکارآمدی بیشتر در فرد، سطح اطمینان بالاتر از توانایی های خود، سطح اضطراب و افسردگی پایین تر و تبع آن ها پیشرفت تحصیلی بیشتری خواهد بود. در تحقیقات دیگر نیز وجود این رابطه مورد تأکید قرار گرفته است (محسن پور و همکاران، ۱۳۸۶؛ پاچارس و گراهام، ۱۹۹۹، گرین و همکاران، ۲۰۰۴).

عامل مؤثر دیگر در پیشرفت تحصیلی جمعیت خانواده است که نتیجه تحقیق حاضر بیانگر رابطه ی عکس بین جمعیت خانواده و پیشرفت تحصیلی می باشد. توضیح احتمالی این امر می تواند این باشد در خانواده های کم جمعیت با فراهم کردن امکانات بیشتر و فضای بازتر پیشرفت تحصیلی فرزندان را تسهیل می کنند. این یافته، نتایج پژوهش های خیر (۱۳۷۶)، حجازی و امیدی نجف آبادی (۱۳۸۲) و لواسانی و همکاران (۱۳۸۲) را نیز تأیید می کند.

علاوه بر موارد مذکور، تأثیر مشاوره در پیشرفت تحصیلی دانشجویان در اکثر پژوهش ها مورد تأکید قرار گرفته است (زمانی و امیری اردکانی، ۱۳۸۲؛ فاضلی، ۱۳۸۳؛ کنت و راجرز، ۲۰۰۲). یافته های این تحقیق نیز مؤید همین مطلب است. در حال حاضر، بسیاری از محققان و صاحب نظران بر این باورند که مشاوره های دانشجویی می توانند خدمات ارزشمندی به دانشجویان ارائه کنند. کمک به کسب و افزایش خودپنداری مثبت، حل مسائل شغلی، بهبود روابط متقابل در خانواده و کسب یا افزایش مهارت های اجتماعی از مهمترین این خدمات به شمار می آیند. پیشرفت در این زمینه ها موجب کاهش و حل مسائل مربوط به دوران تحصیل و در نهایت، باعث پیشرفت تحصیلی وی می شود (فاضلی، ۱۳۸۳). لذا، موضوع اخیر، اهمیت ملاقات های دانشجو با استاد راهنما و راهنمایی های تحصیلی توسط اساتید راهنما در نقش مشاور را مورد تأکید قرار می دهد. به نحوی که مطالعات دیگری نیز که از طریق نظر سنجی توسط برخی از محققان ایرانی (یعقوبی، ۱۳۷۶؛ مولوی، ۱۳۷۷؛ رضازاده و یگانه، ۱۳۷۸) به منظور سنجش سلامت روانی دانشجویان و نیاز آن ها به مشاوره در برخی از دانشگاه ها انجام گرفته، مؤید همین مطلب است.

بر اساس یافته های این تحقیق، امیدواری به آینده شغلی نیز یکی دیگر از عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی است. وجود رابطه ی مستقیم بین امید به آینده شغلی و تلاش و جدیت بر کسی پوشیده نیست. مطمئناً هر قدر امید به آینده ی شغلی بیشتر باشد تلاش در جهت فراهم آوری شرایط تضمین آینده ی شغلی و رسیدن به این هدف غایی بیشتر خواهد بود. چرا که دانشجویان احساس می کنند تنها روزنه ی موفقیت را بتوان در این راه جستجو کرد. لذا، به موازات آن پیشرفت تحصیلی نیز افزایش خواهد یافت.

میزان تحصیلات والدین نیز بر پیشرفت تحصیلی تأثیر می‌گذارد که نتیجه‌ی تحقیق حاضر مؤید این مطلب است. این امر را می‌توان بدین طریق استدلال نمود که والدین تحصیل کرده مشوق و الگوهای تأثیر گذاری برای فرزندان خود هستند. به نحوی که خانواده‌هایی که طبقه‌های اجتماعی بالاتری دارند نگرش مطلوب تری نسبت به تحصیل فرزندان خود داشته و در نتیجه آن‌ها را برای پیشرفت تحصیلی بالاتر تشویق خواهند نمود. این یافته، نتایج پژوهش حجازی (۱۳۸۳) را تأیید می‌کند. اما برخلاف نتایج پژوهش حجازی و امیدی نجف آبادی (۱۳۸۵) است.

مطابق با یافته‌های مذکور در تحقیق حاضر، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌گردد:

۱- از آن جایی که بین محل نشستن در کلاس و پیشرفت تحصیلی رابطه‌ی مثبت و معنی داری وجود داشت، توصیه می‌شود که تا آن جا که امکان دارد کلاس‌ها، خصوصاً کلاس‌های کم جمعیت، به صورت کنفرانسی چیدمان گردند که از آن طریق، میدان دید همه یکسان شده، عوامل حواس پرتی کاهش و تعامل بین استاد و دانشجو افزایش یابد.

۲- بر حسب پیشرفت تحصیلی بیشتر در بین دانشجویان بومی نسبت به غیر بومی، پیشنهاد می‌شود که سیاست‌های افزایش جذب و پذیرش دانشجویان بومی در دانشگاه‌ها با دقت خاصی دنبال گردد که به موجب آن شرایط بهینه تری جهت پیشرفت تحصیلی دانشجویان و موفقیت شغلی دانش‌آموختگان به وجود آید.

۳- با توجه به نقش مؤثر مشاوره‌ی دانشجویی در تسهیل بهبود روابط متقابل با اعضای خانواده، حل مشکلات روحی و تحصیلی، کسب یا افزایش مهارت‌های اجتماعی، خودپنداری مثبت و اعتماد به نفس، امیدواری به آینده شغلی و شغل یابی، کاهش اضطراب و در نهایت پیشرفت تحصیلی دانشجویان، توصیه می‌گردد که روابط اساتید با دانشجویان از راه‌های مختلف گسترش یابد. همچنین اساتید تلاش نمایند تا محیط کلاس را برای دانشجویان صمیمی تر ساخته و با ایجاد فرصت‌های بیشتر به منظور ملاقات دانشجویان در دفتر کار خود، موجبات برقراری ارتباط دوستانه تر با دانشجویان و راهنمایی‌های تحصیلی بیشتری را برای آن‌ها فراهم سازند.

۴- به دلیل رابطه‌ی مثبت و معنی دار بین انگیزه و علاقه و پیشرفت تحصیلی توصیه می‌شود که از روش‌های تدریس و یادگیری متنوع و جذاب که در آن توان انجام کارهای عملی و میدانی، توانایی حل مسئله برای همراه شدن با تحولات سریع عصر حاضر و توان تجربه‌ی کار در شرایط واقعی مهیا می‌گردد، به جای روش‌های قدیمی استفاده شود. به گونه‌ای که زمینه‌ی انگیزه و علاقه بیشتر برای پیشرفت تحصیلی و موفقیت شغلی در دانشجویان به وجود آید. در این راستا می‌توان از الگوی یادگیری تجربی در دانشگاه‌ها بهره گرفت. لذا، پیشنهاد می‌گردد که سیاست‌ها، خطی‌مشی‌ها و راهکارهای عملی سازی یادگیری تجربی در دانشگاه‌ها، به دلیل افزایش انگیزه و علاقه در دانشجویان، اتخاذ گردد. همچنین، دوره‌های آموزشی کافی و مناسب برای اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها جهت بهره‌گیری بیشتر از روش‌های تدریس و یادگیری نوین، متنوع و مؤثر مانند تدریس و یادگیری تجربی، فراهم شود.

سپاسگزاری:

آمار و اطلاعات مورد نیاز در این تحقیق با همکاری مسئول آموزش دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه رازی، جناب آقای محمد باویلی تأمین گردیده است که بدین ترتیب از وی تشکر می‌شود.

فهرست منابع :

۱. ادهمی و همکاران (۱۳۸۱). ارتباط امکانات آموزشی و نیروی انسانی بخش های علوم پایه با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی کرمان، مجله ی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی قزوین، شماره ی ۲۲ ، تابستان، صص ۶۳-۵۶.
۲. البرزی ، شهلا و دیبا سیف (۱۳۸۱). بررسی رابطه ی باورهای انگیزشی، راهبردهای یادگیری و برخی از عوامل جمعیتی با پیشرفت تحصیلی گروهی از دانشجویان علوم انسانی در درس آمار، مجله ی علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز، دوره ی نوزدهم، شماره ی اول، (پیاپی ۳۷)، زمستان، صص ۸۲-۷۳.
۳. بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۴). رابطه ی میان عزت نفس، انگیزه ی پیشرفت و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان سال سوم دبیرستان های تهران، (www.sid.ir) .
۴. پاشا شریفی، حسن (۱۳۸۵). سنجش انگیزه ی درونی و بیرونی پیشرفت و نگرش دانش آموزان مقاطع مختلف تحصیلی، نسبت به مسایل آموزشی و سهم این متغیرها در تبیین پیشرفت تحصیلی آنان، فصلنامه ی نوآوری های آموزشی، شماره ی ۱۸ ، سال پنجم، زمستان، صص ۲۰۲-۱۷۱ .
۵. حجازی، یوسف و مریم امیدی نجف آبادی (۱۳۸۵). عوامل موثر بر موفقیت تحصیلی دانشجویان کشاورزی، مجله ی علوم کشاورزی ایران، جلد ۳۷ ، شماره ی ۱ ، صص ۲۵-۱۹ .
۶. حجازی، یوسف و همکاران (۱۳۸۲). بررسی وضعیت تحصیلی دانشجویان کشاورزی دانشگاه تهران و نقش ضوابط گزینش در موفقیت آنها ، مجله ی علوم کشاورزی ایران، جلد ۳۴ ، شماره ی ۳، صص ۵۶۹-۵۵۹ .
۷. حجازی، یوسف (۱۳۸۳). نقش عوامل اقتصادی-اجتماعی در موفقیت تحصیلی و عملکرد شغلی دانشجویان کشاورزی دانشگاه تهران، فصلنامه ی علوم اجتماعی ، شماره ی ۲۳ ، خرداد، صص ۴۲-۳۷ .
۸. حسن زاده، رمضان (۱۳۸۱). رابطه ی بین انگیزش، منبع کنترل و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، (www.sid.ir) .
۹. حیدری، عباس و محسن کوشان (۱۳۸۱). بررسی منبع کنترل و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان پرستاری، اسرار، مجله ی دانشکده ی علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار، سال نهم، شماره ی ۳، پاییز.
۱۰. خیر، محمد (۱۳۷۶). بررسی رابطه ی برخی از شاخص های طبقه ی اجتماعی با پیشرفت تحصیلی در گروهی از دانش آموزان سال اول دبیرستان نظام جدید، مجله ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ی دوازدهم، شماره ی دوم ، بهار.
۱۱. رجبی، غلامرضا (۱۳۸۵). بررسی پایایی و روایی مقیاس باورهای خودکارآمدی عمومی (GSE-10) در دانشجویان روانشناسی دانشکده ی علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز و دانشگاه آزاد مرودشت، اندیشه های نوین تربیتی، دوره ی دوم، شماره ی ۲۰۱ ، بهار و تابستان، صص ۱۲۲-۱۱۱ .
۱۲. رحمانی، جهانبخش (۱۳۸۶). بررسی رابطه ی بین نگرش دانش آموزان به ریاضیات با میزان موفقیت تحصیلی آنان در درس ریاضی دوره ی راهنمایی در شهر اصفهان، مجله ی دانش و پژوهش (www.sid.ir) .
۱۳. رضا زاده، سید محمود رضا و صدیقه یگانه (۱۳۷۸). بررسی وضعیت تحصیلی، خانوادگی و سلامت روانی دانشجویان کارشناسی ورودی ۱۳۷۶، دانشگاه صنعتی خواجه نصیر طوسی، معاونت دانشجویی و فرهنگی، دفتر مشاوره ی دانشجویی.
۱۴. زمانی، غلام حسین و محمد امیری اردکانی (۱۳۸۲). موفقیت تحصیلی از دید فرهیختگان کشاورزی، مجله ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ی بیستم، شماره ی اول (پیاپی ۳۹)، تابستان، صص ۱۰۹-۹۴ .

۱۵. زند، آریتا (۸۶-۱۳۸۵). بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی دانشجویان کارشناسی ارشد رشته ی کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
۱۶. ساعی، رحیم (۱۳۷۷). بررسی عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشکده ی کشاورزی و ارائه ی رهیافت مناسب آموزشی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
۱۷. سلیمان نژاد، اکبر و مهرناز شهرآرای (۱۳۸۰). ارتباط منبع کنترل و خود تنظیمی با پیشرفت تحصیلی، مجله ی روانشناسی و علوم تربیتی، سال ۳۱، شماره ی ۲، صص ۱۹۸-۱۷۵.
۱۸. صفدری ده چشمه، فرانک و همکاران (۱۳۸۶). عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی دانشجویان از نظر دانشجویان و اساتید دانشکده ی پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در سال ۱۳۸۳، مجله ی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، دوره ی نهم، شماره ی ۳، پاییز، صص ۷۷-۷۱.
۱۹. عابدی، احمد و حمیدرضا عریضی (۱۳۸۱). بررسی رابطه ی انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر دوره ی متوسطه ی شهر اصفهان با ویژگی های خانوادگی و شخصیتی آنان، آموزه، شماره ی ۱۳، بهار.
۲۰. عابدینی، یاسمین (۱۳۸۶). موفقیت تحصیلی دختران: مطالعه ی عوامل غیر شناختی، (www.sid.ir).
۲۱. فاضلی، عصمت (۱۳۸۳). تاثیر مشاوره در پیشرفت تحصیلی دانشجویان، (www.sid.ir).
۲۲. فرج الهی، مهران و ایرج فیروزفر (۱۳۸۶). مقایسه ی پیشرفت تحصیلی پذیرفته شدگان دوره های کارشناسی ارشد فراگیر با پذیرفته شدگان همان مقطع از طریق آزمون سراسری دانشگاه پیام نور، (www.sid.ir).
۲۳. گلور، جی.ای. و آ.ا.چ. برونترینگ (۱۳۸۳). روانشناسی تربیتی، مترجم: علی نقی فرازی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ پنجم، ص ۱۳.
۲۴. لواسانی، غلامعلی و کمال درانی (۱۳۸۳). رابطه ی ویژگی های فردی و خانوادگی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، مجله ی روانشناسی و علوم تربیتی، سال ۳۴، شماره ی ۲، صص ۲۱-۱.
۲۵. لواسانی و همکاران (۱۳۸۶). رابطه ی فعالیت تحصیلی، انگیزه ی پیشرفت، هوش هیجانی و متغیرهای بافتی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، (www.sid.ir).
۲۶. محسن پور، مریم و همکاران (۱۳۸۶). نقش خود کارآمدی، اهداف پیشرفت، راهبردهای یادگیری و پایداری در پیشرفت تحصیلی در درس ریاضی دانش آموزان سال سوم متوسطه در رشته ی ریاضی شهر تهران، فصلنامه ی نوآوری های آموزشی، شماره ی ۶۰، سال پنجم، تابستان، صص ۳۵-۹.
۲۷. معین پور، حمید (۱۳۸۲). بررسی رابطه ی شاخص تراکم دانش آموزان در کلاس با پیشرفت تحصیلی، آموزه، پیش شماره ی هشتم، ص ۳۲.
۲۸. منیری، رضوان و همکاران (۱۳۸۵). علل عدم موفقیت تحصیلی در دانشجویان رشته ی پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان، مجله ی ایرانی آموزش در علوم پزشکی، شماره ی ۶، بهار و تابستان.
۲۹. مولوی، حسین (۱۳۷۷). بررسی اعتبار پرسشنامه ی ارزیابی خود در رابطه با گرایش به روان پریشی در پرسشنامه ی شخصیتی آیزنک، فصلنامه ی اندیشه و رفتار سال سوم، شماره ی ۴، صص ۸۶-۸۲.
۳۰. ولی زاده، لیلا و همکاران (۱۳۸۶). ارتباط ویژگی های یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پرستاری و مامایی، مجله ی ایرانی آموزش در علوم پزشکی، پاییز و زمستان، ۷(۲).
۳۱. یعقوبی، حمید (۱۳۷۶). بررسی وضعیت سلامت روانی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گیلان (۷۶-۱۳۷۵)، گزارش طرح پژوهشی معاونت امور فرهنگی و دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گیلان.

32. Bandura, A. (1977). Self-efficacy: Toward a unifying theory of behavioral change. *Psychological Review*, 84 (2): 191-215.
33. Benedict, M.E., & Hoag, J. (2004). Seating location in large lectures: Are seating preference or location related to course performance. *Journal of Economic Education*, 35(3):215-231.
34. Biggs, G.S.J, & Najman, J.M, & Schuiz, E.B. (1991). Parental problems influencing the academic achievement of medical students. *Med Educ*, 25:374-382.
35. Cohen, J. (1988). *Statistical power and analysis for the behavioral sciences (2nd ed.)*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
36. Gossard, M.H., & Jessup, E., & Casavant, K. (2006). Anatomy of a classroom: An exploratory analysis academic performance, *NAKTA Journal*, 50(2):36-39.
37. Green, B.A., & Miller, A.B. (1996). Influences a course performance: Goals, perceived ability, and self-regulation. *Contemporary Educational Psychology*, 21:187-192.
38. Kenneth, M. Call & Rogers, A. Stewart (2002). "Collaboration between counseling services and academic program: An exploratory study of student outcome". *Journal of College Counseling*, 5(2):135-142.
39. Latifian, M. (1997). *The relationship between motivation self-regulated learning strategies and student achievement across the curriculum*, Doctoral dissertation, Macqueie University.
40. MC., Combs, B.L, & Marzono, R.J. (1990). Putting the self in self-regulated learning: The self as agent in integrating will and skill. *Educational Psychologist*, 25:51-69.
41. Oveisgharan, SH., & Ghasemi, M, & Changiz, T. (2001). Academic achievement of talented students at Isfahan University of medical sciences, *Iranian Journal of Medical Education*, 1(2):10-12.
42. Pajares, F., & Graham, L. (1999). Self-efficacy, motivation constructs, mathematics performance of entering middle school students. *Contemporary Educational Psychology*, 24:124-139.
43. Pintrich, P.R., & De Groot, E.V. (1990). Motivational and self-regulated learning components of classroom performance. *Journal of Educational Psychology*, 2:23-40.
44. Rebeta, A. (1999). A study of relationship among achievement motivation, self-concept and academic achievement. *Psychology Science Chaina*, 18-21.
45. UNESCO (1992). Research in basic education and literacy. Bangkok, UNESCO, Regional **Hice** for education in Asia and the Pacific. P. 99-104.

Assessment of Affecting Factors and Progression Trends among the Students of College of Agriculture: A Case of Razi University, Kermanshah

Abstract:

The main purpose of this descriptive-correlation study is to explore trends and factors affecting academic achievement among students of college of agriculture, Razi University, Kermanshah. In the first part of the study, trends in academic progression for students enrolled in 1382-1384 academic year majoring in agricultural extension and education in College of Agriculture (N=159) was addressed. Results reveal an increasing trend in academic progression for all students. However, there is also a significant difference in academic progression across usual and boarding students, except those registered in 1382. Moreover, there is no significant difference in academic progression across students with different ranks. In the second part of the study, analysis was conducted on factors involved in academic progression across census of usual and boarding students of agricultural extension and education (N=107) enrolled in 1384-1385. Step-wise regression analysis shows that students' place of sitting in class, economic status of their families, exam stress, being native or non-native, interest and motivation towards college, self-efficacy, students' family size, contacts with advisors, job prospects, and their parents' education level assumed for (76%) of the variance in academic progression. If students in college of agriculture are to excel academically, they should be provided with more interactive mode of sitting, more time in student advising, and expose to more experiential and field opportunities in teaching and learning process.

Key words: Academic progression, Agriculture, Self-efficacy, Classroom sitting, Exam stress, Motivation, Regression